



شهید قاسم سلیمانی

شهید سیدحسین نصرالله

شهید ابوبهی المهندس

شهید مصطفی چمران

شهید اوارو او انیلی

شهید حسن شاطری

شهید صن طهرانی مقدم

شهید حسین همدانی

شهید مصن لقرئی راه

شهید صیاد شیرازی

شهید محسن حججی

شهید سیدمحمدعباس حکیم

شهید عداد مغنیه

شیخ ابراهیم زکرائی

دکتر رمضان عبدالله

سردار ابراهیم محمدزاده

غائله گلستان هفتم که با اغتشاشات دروایش موسوم به **گنابادی شکل گرفت**، علاوه بر آسیب و خسارات فراوان به مردم باعث شهادت یک بسیجی و ۳ نفر از عوامل نیروی انتظامی در شب شهادت حضرت فاطمه زهرا(سلام‌الله‌علیها) شد. بعد از ظهر ۳۰ بهمن‌ماه بود که یک اغتشاش خونین در خیابان گلستان هفتم در پاسداران تهران آغاز شد. آتش غائله‌ای که جمعی از دروایش آشوبگر موسوم به دروایش گنابادی به بهانه بازداشت یکی از اعضای خود روشن کرده بودند، با حمله به کلانتری ۱۰۲ و ورود به پشت‌بام‌های منازل مسکونی محل شدت گرفت. گروهی آشوبگر با بستن خیابان گلستان هفتم اقدام به ایجاد اغتشاش و آشوب کردند و به سمت نیروهای پلیس حمله‌ور شدند و یکی از آنها با اتوبوس، نیروهای امنیتی شهر را زیر گرفت. یاور محمد ثلاث راننده اتوبوس و یکی از اعضای افراطی فرقه دروایش گنابادی بود که در حرکتی وحشیانه اقدام به زیر گرفتن مأموران ناجا کرد.

اغتشاشگران به همین اقدامات وحشیانه قانع نشدند و برخی از آنها در حال تهیه کوکتل مولوتوف بودند و برخی با شمشیر رجزخوانی می‌کردند و برخی دیگر از روی پشت‌بام سسنگ می‌زدند. شعله‌های آتش گلستان هفتم پاسداران را در بر گرفته بود. عوامل اغتشاش، سنگ رودخانه، سرامیک تیز و پروفیل در که به صورت آریب بریده شده و حکم سرنیزه داشت را به طرف مردم پرت می‌کردند.

شهید محمدحسین حدادیان

شهید محمدحسین حدادیان در سال ۱۳۲۴ دیده به جهان گشود. اهل نماز اول وقت، زیارت عاشورا و هیئت بود. هر روز به نیت یک شخصیت زیارت عاشورا می‌خواند.اولین نیت، شهید زین‌الدین بود. برای شهید همت، شهید هادی، مقام معظم رهبری و حتی مداح هیئت هم زیارت عاشورا خوانده است.سینه‌ن ز امام حسین(ع) بود. محرم که از راه می‌رسید، انفال تکر بهار زندگی‌اش از راه رسیده

شمرندهٔ مادر سادات، حضرت زهرا(علیهاالسلام)

و ارباب بی‌کفتم نباشم. جان ناقابلی دارم که پیشکش حضرت صاحب‌الزمان(عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) و نایب پر حشش می‌کنم. پیرو خط رهبری باشید که قطعا راه درست و راه امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) می‌باشد.»

محمدحسین شب شهادتش در مراسم شب شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) بود و عجیب فاطمی به شهادت رسید.

۲۶ خودروی شخصی توسط آشوبگران تخریب و ۱۹ منزل واحد مسکونی هم مورد تجاوز و تخریب واقع شد.
خودروی سمندی از خانه‌ای خارج شد و به صورت زیگزاگ در خیابان حرکت کرد.
این خودروی سسمند به یک بسیجی که داوطلبانه به مأموران امنیتی کمک می‌کرد، برخورد کرد که به زمین افتاد و دروایش با ناجوانمردانه‌ترین روش‌ها به وی حمله کردند و اربا اربایش کرده و به شهادت رساندند.
اغتشاش وحشیانه دروایش پس از ساعت‌ها ایجاد رعب و وحشت در بین مردم و به شهادت رساندن ۴ نفر و مصدوم و مجروح شدن حدود ۲۰ نفر از مأموران نیروی انتظامی، در ساعت ۴ پامداد یکم اسفند با پایان ضرب‌الاجل پلیس خامه یافت و مأموران ناجا ۳۰۰ نفر از دروایش اغتشاشگر را دستگیر کردند که راننده اتوبوس و ضاربان جزو دستگیر شدگان بودند.

رضا امامی و محمدعلی بایرامی و رضا مرادی علمدار شهدای ناجا و محمدحسین حدادیان شهید بسیجی در راه مقابله با غائله دروایش گنابادی بودند.
امام جمعه گناباد پس از این غائله طی سخنانی گفت: برای این فرقه انحرافی نام گناباد را به کار نبرید، مردم گناباد از آنها بی‌ازند.
یادی می‌کنیم از شهدای دفع غائله دروایش گنابادی که در شب شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) ملکوتی شدند و از فرش به عرش پرواز کرده و «عند ربهم برزقون» گردیدند.

نفاق به مراتب بدتر از کفر است و آسیب بیشتر. شهید حدادیان، شهید راه مبارزه با نفاق است و پرچمدار و علمدار مبارزه با نفاق شد.
پیکر اربا اربا و خونین شهید حدادیان در کنار مزار شهیدان مدافع حرم در امامزاده علی‌اکبر چنبر آرام گرفت تا نمادی باشد بر آنکه این سرزمین با خون همه شهدا ایستاده است: از دمشق تا تهران.
پدر شهید خاطرنشان کرده است: ما هر سال روز شهادت حضرت زهرا(س) ندزی می‌دادیم، آن

رهبر انقلاب پس از بوسه بر لباس خادمی هیئت شهید محمدحسین حدادیان و مشاهده تمثال شهید فرمودند: این واقعاً نور هست؛ یک نور معنوی. خدا رو شکر کنيد برای داشتن چنین فرزندی.

پدر شهید از برکات خون محمدحسین می‌گوید: «مقام معظم رهبری بسه ما فرمودند: ریختن خون محمدحسین دارای برکاتی است که در آینده معلوم می‌شود. چند وقت بعد به برکت

و شهدای نیروی انتظامی قابل تحمل برای مردم مؤمن نیست.

بعد از این اقدام شجاعانه و بیدار گرانه والدین شهید حدادیان، عده‌ای از مردم مؤمن و بصیر و معنوی. خدا رو شکر کنيد برای داشتن چنین فرزندی.

پدر شهید از برکات خون محمدحسین می‌گوید:

«مقام معظم رهبری بسه ما فرمودند: ریختن خون محمدحسین دارای برکاتی است که در آینده معلوم می‌شود. چند وقت بعد به برکت



خدا او را به بهترین وجه از ما پس گرفت.تمام دغدغه محمدعلی در سرفرازی دین اسلام خلاصه می‌شد. می‌گفت باید کاری کنیم تا به عنوان یک بچه مسلمان خدا از من راضی باشد. بسیار فعال و خوش اخلاق بود. از ۱۴ سالگی روزه می‌گرفت و نماز می‌خواند. به انجام فرائض دینی مثل نماز اول وقت مفید بود. وقتی نماز می‌خواند با حالت تضرع خاصی قامت می‌بست.

شهید بایرامی از نیروهای تازه جذب شده پلیس بود. تنها یک سال و ۲۱ روز از خدمتش می‌گذشت که به شهادت رسید.

یک سال پس از عضویتش در نیروی انتظامی به خواستگاری دختر یکی از اقوام‌شان رفت. در هنگام شهادت، فقط ۴۰ روز از نامزدی‌اش می‌گذشت. حدود ۱۲ ساله بود که عضو بسیج مسجد الزهرا(س) شهرک توحید شد.

شهید بایرامی پیش از آنکه به عضویت نیروی انتظامی درآید، از بسیجیهای فعال شهرک توحید، محل سکونت سابق شان بود. از رهگذر حضور در بسیج، فعالیت در مسجد و سپس کار در نیروی انتظامی بود که محمدعلی با مفاهیمی چون ایثار و شهادت عجين شد و در وجودش آرزوی شهادت داشت.

به بسیج و شهدای دفاع مقدس خیلی علاقه داشت و به خاطر عشقش به شهادت بود که شغل پرخطر نیروی انتظامی را انتخاب کرد. خیلی وقتها با دوستانش به راهبان نور می‌رفتند و به شهدای دفاع مقدس امانت دادند. خودش را دنباله‌روی شهدای دفاع مقدس می‌دانست. محمدعلی یک بسیجی بود که در لباس نیروی انتظامی به شهادت رسید.

دوست داشت مدافع حرم شود. می‌گفت اگر

اجازه بدهند برای دفاع از حرم راهی می‌شوم، اما محل کارش اجازه نمی‌دادند تا برای دفاع از حرم برود. مسئولان می‌گفتند حضور در قامت یک پلیس و تأمین نظم و امنیت، چیزی از حضور در جبهه دفاع از حرم کم ندارد. بعد از شهادت محسن حججی شوقش بیشتر هم شده بود. عاشق شهادت بود و به آرزویش هم رسید.

وی راهی را که پدرش سالها پیش به عنوان «بسیجی» نامیده بود، برگزید. شهید بایرامی گفت: «من برای حرم خودم می‌شدم. شهید زنده است و محمد با شهادتش



داشت، توانست ره صد ساله را یک‌بشه ببیماید و مدال شهادت را خیلی زود به گردن بیاویزد.

پدر معزز شهید با افتخار می‌گوید: اگر محمد به مرگ طبیعی می‌رفت این داغ برای ما چند برابر می‌شد، اما حالا که به شهادت رفته، هم سعادت ابدی را برای خودش خریده و هم باعث افتخار ما شده است.

شهید زنده است و محمد با شهادتش تولدی دوباره یافت.

مادر گرامی شهید بایرامی معتقد است: سرآمد فرهنگ ایثار و شهادت و در مجموع شهیدان در کشور ما سردار شهید حاج قاسم سلیمانی است. خوشحالم که محمدعلی با شهادت عاقبت به خیر جوانان و فرزندان خود بوده است. شهید محمدعلی بایرامی نیز یکی دیگر از شهدای این منطقه است که در زمزه یاران سردار دلها قرار گرفت. سردار

کمیته ان

moghaavemat@kayhan.ir

یادی از شهدای اغتشاشات دروایش در تهران

کارمان پورعیاس

روز پسرمان را دادیم. خانم فاطمه تاجیک مادر گرامی شهید حدادیان نگاهی اهل بیتهی و کربلایی به شهادت فرزند دلیندش دارد:

«وقتی پیکر چاک چاک پسرم را دیدم، به عمق فاجعه پی بردم. وقتی شنیدم محمدحسین شهید شده، خدا را شکر کردم. محمد آرزو داشت این مدلی به دیدار معبودش برود.
بعدها وقتی لحظه شهادتش را شنیدم یاد آن صحنه عاشورا افتادم که بر پیکر امام حسین(ع) تاختند. شهادتش داستان کربلا را برایم تداعی

خون محمدحسین بود که انتشارات و خانقاه‌های اغتشاشگران بسته شد»

پدر شهید در مورد ماهیت دروایش اغتشاشگر خاطرنشان کرده است:

«درویش اغتشاشگر در تهران خود را دروایش گنابادی می‌نامند در حالی که اسم اصلی فرقه آنها بیچارگان بوده و رفته رفته بعد از گذشت هشتاد سال خود را به دروایش گنابادی پیوند داده‌اند. در همین رابطه امام جمعه گناباد از ما دعوت کرد تا به گناباد برویم. وقتی آنجا رفتیم متوجه شدیم گناباد اصلاً درویش ندارد. یک روستایی به نام دیدار معروش بود.

۲۰۰ درویش و ۲ هزار نفر شهروند عادی دارد. آن دروایش نیز ارتباطی به دروایش تهران ندارد. هر کارکی در مردم گناباد خیلی ظلم شده است. هر کارکی که دروایش تهران می‌کنند و اغتشاشاتی که به وجود می‌آورند را به نام گنابادی‌ها تمام می‌کنند در حالی که صرفاًبرخی تردها میان آنها وجود دارد. حتی در جریان ستری که به گناباد و حتی بدیخت داشتیم، حدود هزار تن از جوانان بدیختی اعم از شهروندان عادی و دروایش از صبح زود به استقبال ما آمدند

و نسبت به اقدام دروایش اغتشاشگر تهران اعلام انزجار کرده و گفتند این دروایش ارتباطی با آنها نداشته و در انگلیس و فرانسه سرمایه‌دار هستند.»

پدر و مادر معظم و معزز شهید حدادیان پس از شهادت فرزندان علمکرد فوق‌العاده عالی و مؤثر و منحصربفردی در عرصه افسآگری و مبارزه با فرقه دروایش اغتشاشگر داشته‌اند. این بزرگواران در فضای مجازی و کانال‌های مختلفی که دارند در مورد ماهیت و انحرافات این فرقه روشنگیرها و افشاگرهای گسترده‌ای انجام داده‌اند و همواره اقدامات مخفیانه و زیرزمینی این فرقه در خانقاه‌های‌شان در تهران را رصد کرده‌اند و به صورت آتش به اختیار به مقابله با آنها پرداخته‌اند. در نتیجه این اقدامات ارزنده و ارزشمند، خانقاه‌های دروایش در تهران بسته و پلمپ شدند.

متأسفانه در سال ۱۴۰۲ خانقاه مرکزی امیر سلیمانیته تهران در ماه مبارک رمضان بازگشایی شد و فعالیتهايش را از سر گرفت.

روزنامه کیهان در ۱۸ فروردین ۱۴۰۳ در انتقاد از این موضوع نوشت: «بازگشایی خانقاه مرکزی فرقه دروایش گنابادی واقع در خیابان بهشت تهران، بدون رسیدگی و برخورد با قاتلان شهید محمدحسین حدادیان و دیگر شهدا که در سحرگاه ۱۵ اسفند ۱۳۹۶، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی در منزل شهید محمدحسین حدادیان حضور یافتند.

پدر شهید حدادیان این دیدار را چنین روایت کرده است: «زانی که نحوه شهادت محمدحسین را برای ایشان توضیح می‌دادم، ایشان عصبان‌شان را محکم گرفته و دقایقی تأمل کردند.

ایشان فرمودند: از دست دادن فرزند سخت است اما تمام این رنج‌های شهید به اندازه افتادن از روی اسب است. همین سخنان حضرت آقا خیلی ما را دلداری داد.

محمدحسین زمان شهادت شهید صیاد شیرازی، چهارسالش بود اما بعدها زمانی که تصویر بوسه حضرت آقا بر تابوت شهید را می‌دید می‌گفت: او چه مقامی داشت که حضرت آقا بر تابوتش بوسه زدند. زمانی که رهبری برای ملاقات با ما به منزلمان تشریف آوردند همین بوسه را بر لباس خادمی محمدحسین زده و دعا خواندند و فرمودند: خدا این توفیق را نصیب هر کسی نمی‌کند»

باشد. هم‌ماش می‌گفت دارد محرم می‌آید. خیلی روی حجاب تأکید داشت. غیرتی بود.

خیلی اخلاص داشت و بی‌ادعا بود. هیچ وقت از کارهای خیری که می‌کرد نمی‌گفت. مزد این اخلاص و بی‌ادعوبن‌هایش را با شهادت گرفت. محمدحسین دنبال اجرائی کردن فرامین رهبری بود. دغدغه حفظ دستاوردهای نظام را داشت و از انقلاب با غیرت دفاع می‌کرد.

بسیجی ویژه قرارگاه ثلثه تهران بود. همه عمر بسیجی بود و بسیجی وار زندگی کرد.

محمدحسین در آن شب به هیئت رفت. وی به عزای آل‌الله اهمیت می‌داد. برای عزای اهل‌بیت(ع) لباس مشکی می‌پوشید. در ایام فاطمیه در هر دو دهه مشکی می‌پوشید.

بعد از شهادت محمدحسین جوانی که همان شب در هیئت حضرت زهرا(س) با وی آشنا شده بود، به خانه شهید آمد و تعریف کرد: محمدحسین را در هیئت دیدم و همان شب با هم دوست شدیم. سینه‌ن‌زده‌ها و حال و هوای محمدحسین من را به خودش جذب کرد و



کرد. اینها نشان‌دهنده نفرت و کینه دشمنان اسلام و انقلاب است. خدا را شاکر کم بعد از ۱۴۰۰سال ذر‌ای، تنها ذره‌ای از آن دریای مصائب عاشورا را به ما نشان دادند.»

همان روز شهادت محمدحسین، از بیت رهبری به خانواده شهید تسلیت گفته شد.

بعد از شهادت، از دفتر رهبر معظم انقلاب با منزله شهید حدادیان تماس گرفته و پرسیدند که چه می‌خواهند. خانواده شهید می‌خواستند ایشان را برای آنها و محمدحسین دعا کنند اما ایشان دعا کرده بودند.

روز سوم بعد از شهادت محمدحسین، حضرت آقا هیتتی را فرستادند و روز چهاردهم خودشان تشریف آوردند.

۱۵ اسفند ۱۳۹۶، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی در منزل شهید محمدحسین حدادیان حضور یافتند.

پدر شهید حدادیان این دیدار را چنین روایت کرده است: «زانی که نحوه شهادت محمدحسین را برای ایشان توضیح می‌دادم، ایشان عصبان‌شان را محکم گرفته و دقایقی تأمل کردند.

ایشان فرمودند: از دست دادن فرزند سخت است اما تمام این رنج‌های شهید به اندازه افتادن از روی اسب است. همین سخنان حضرت آقا خیلی ما را دلداری داد.

محمدحسین زمان شهادت شهید صیاد شیرازی، چهارسالش بود اما بعدها زمانی که تصویر بوسه حضرت آقا بر تابوت شهید را می‌دید می‌گفت: او چه مقامی داشت که حضرت آقا بر تابوتش بوسه زدند. زمانی که رهبری برای ملاقات با ما به منزلمان تشریف آوردند همین بوسه را بر لباس خادمی محمدحسین زده و دعا خواندند و فرمودند: خدا این توفیق را نصیب هر کسی نمی‌کند»

صفحه ۷

دوشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۳

۱۸ شعبان ۱۴۴۶ – شماره ۲۳۷۹۸



شهید حاج قاسم سلیمانی برای دفاع از جان، مال و ناموس مردم از همه چیز خود گذشت و به میدان رفت. باید با پیروی کامل از ولایت‌فقیه کاری کنیم تا به انقلاب اسلامی آسیبی نرسد. پسرم فدای امنیت کشور شد. پسرم با شهادت در میان سربازان شهید شهید حاج قاسم سلیمانی جا گرفت.

در مراسم آیین نکوداشت شهدای فاطمی، اسناد و لباس‌های شهدای حادثه خیابان پاسداران به موزه مرکزی شهدا اهدا شد. مادر شهید درباره این کار گفت: لباس محمدعلی که تنها یادگاری به جا مانده از اوست به موزه مرکزی شهدا سپرده شد تا یادش زنده بماند.

۱۶ اسفند ۱۳۹۶، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی با حضور در منزل شهید محمدعلی بایرامی، یاد این شهید را گرمی داشتند.

شهید رضا امامی

رضامامی فردی محبوب، مرمداور و معتقد بود. سال‌ها قبل از سنن تکلیف نماز و روزهاش را شروع کرد. نمازش همیشه سر ساعت و اول وقت بود. از ۱۰ سالگی شروع به گرفتن روزه‌هایش کرد. به همه احترام می‌گذاشت و مهربانی می‌کرد، به همین دلیل نزد همه ارزش و احترام داشت.

پنج سال در بسیج خدمت کرده بود. مادر و برادرش هم بسیجی بودند. مادر گرامی شهید ۱۶ سال بود که بسیجی بود و کارت فعال داشت و خادم امامزاده باقر(ع) در شهرستان بهارستان در استان تهران بود.

رضا هر وقت فرصت فراغتی داشت به امامزاده باقر(ع) می‌رفت و خادمی می‌کرد. موقع سربازی وقتی مرخصی می‌آمد، به جای اینکه مثل دیگر جوانها تفریح کند، به هیئت و امامزاده می‌رفت و خادمی اهل بیت(ع) را انجام می‌داد.

حدود ۲ سال می‌شد که به استخدام نیروی انتظامی درآمد بود، یک سال خدمت کرده و یک

سال هم آموزشی شروع به کار کرده بود که در ۲۲سالگی به شهادت رسید.

مادر شهید امامی خاطرنشان می‌کند: سعی کردیم، بچه‌ها را با نان حلال بزرگ کنیم و به نظرم این شهادت نتیجه نان حلال است.

رضا خودش خدمت در نیروی انتظامی را انتخاب کرد و حاضر بود در این برهه از زمان که کشورمان در داخل و خارج از کشور مورد طمع دشمنان قرار گرفته، برای امنیت کشور جانش را فدا کند. شهید امامی می‌گفت شغل پرخطر را داریم و باید هر لحظه آماده رفتن باشیم. بعد از شهادتش وقتی دوستانش به خانم‌مان آمد بودند تعریف می‌کردند رضا خیلی از شهدای حرم رفت می‌زد و گاهی به شوخی به صورتش شهادت می‌کنید و می‌گفت انصافاً این صورت برای شهادت آماده است.

شهید رضامامی از ساکنان شهرستان بهارستان در استان تهران است و در تاریخ ۳ اسفند ۹۶ در تشییع باشکوه و پرشور در گلزار شهدای روستای امامزاده باقر(ع) به خاک سپرده شد. بقعه امام زاده باقر(ع) برای شهید امامی آشنا بود و از ۴ سالگی به همراه مادرش برای خدمت به این بقعه می‌رفت. مادر معزز شهید رضا امامی از برخورد فاطمی و کربلایی‌اش با شهادت جگر گوشه‌اش می‌گوید:

اپس از اطلاع از شهادت رضا[رفت غسل فاطمه زهرا(س) کردم و از حضرت زهرا(س) خواستم به من صبر بدهد و صبر هم داد، چرا که اصلاً ناراحت نشدم و با خودم گفتم رضای من از علی(صفر)ع، علی(کبر)ع) و امام حسین(ع) که بالاتر نبوده است. خداوند این فرزند را به من امانت داده بود، حالا امتنانش را پس گرفت… از خدا می‌خواهم، به حق امام زمان(عج) به من صبر بیشتری بدهد و رضا را با شهادت کربلا بخشد.

مادر شهید در جای دیگری خاطرنشان می‌کند: شهادت رضا بایرام خیلی سخت بود. وقتی خیرش را شنیدم نمی‌دانستم چطور باید تحمل کنم تا اینکه دست به دامن اهل‌بیت(ع) شدم. باور کنید خیلی آرام‌هم، خیلی.

مادر شهید امامی با افتخار اعلام می‌کند: رضا مرا سرلنله کرد. شهادتش برایم افتخاری است که با هیچ چیز در این دنیا عوض نمی‌کنم.

شهید رضا امرای علمدار

شهید رضا امرای علمدار، جوان‌ترین شهید غائله دروایش در تهران است که در ۱۹ سالگی به شهادت رسید. شب حادثه، رضا خیلی ناراحت بود که در شب شهادت حضرت زهرا(س) آن اتفاقات می‌افتاد.

رضا از ۱۶سالگی دوست داشت مدافع حرم شود و از ۱۷سالگی اصرار داشت تا به سربازی برود. مادر گرامی شهید مرادی علمدار خاطرنشان می‌کند: پسرم یکی از شهدای فاطمیه است که در غائله خاندان پاسداران به شهادت رسید. رضا متولد ۱۳۷۷ و فرزند دومان بود. از هفده سالگی اصرار داشت به خدمت سربازی برود اما قبول نکردند و ما هم مانع شدیم تا بالاخره هشت‌ماه‌زودتر با اصرار خودش به خدمت رفت. در یگان امداد فاتح اکیباتان خدمت می‌کرد.

مادر شهید از شهادت‌طلبی فرزندش می‌گوید: رضا همیشه می‌گفت: ماگف اما اگر لیاقت داشته باشم دوست دارم شهید بشوم. من که تمام وجودم از ترس نردنن فرزندم می‌ریزید، می‌گفتم: پسرم از لیاقت داری، اما من طلاق ندارم. انگار می‌دانست که می‌گفت خدا صبر هم می‌دهد.

مادر شهید مرادی علمدار اکنون بابت شهادت عزیزش باسنادان به شهادت رسید. رضا متولد ۱۳۷۷ و فرزند دومان بود. از هفده سالگی اصرار داشت به خدمت سربازی برود اما قبول نکردند و ما هم مانع شدیم تا بالاخره هشت‌ماه‌زودتر با اصرار خودش به خدمت رفت. در یگان امداد فاتح اکیباتان خدمت می‌کرد.